Budget and Finance Strategic Research

Designing a conceptual model of factors affecting on financial health in life cycle of companies by using the Foundation's data approach

Mostafa Zahir[1] | Mohsen Hamidian[2] | Roya Darabi[3]

2

Vol. 4
Summer 2023

Research Paper

Received:
4 March 2024
Revised:
26 May 2024
Accepted:
28 May 2024
Published:
26 June 2024
P.P: 45-76

ISSN: 2717-1809
E-ISSN: 2717-199x

Abstract

Current study; Presenting the model of factors affecting on financial health in life cycle of companies has been analyzed. This research is mixed in terms of research approach; in qualitative part of the exploratory type and in the quantitative part; It is descriptive-causal .In line with the implementation of this research, first by using theoretical foundations; Dimensions, components and factors affecting financial health were extracted and five dimensions (including corporate governance, profit information content, characteristics of the board of directors, corporate risks and information disclosure) and twenty components were identified and agreed upon using the Delphi method. The community studied in the interview section of this research; It includes 21 experts with accounting and financial management knowledge and the statistical population in the quantitative section; There were different levels of managers of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. In the following, the required data was collected by distributing questionnaires made by the researcher among 201 people; was collected after that; To analyze the data, inferential statistics methods such as t-test and structural equation modeling by PLS method were used . The first result of this research; The identification of dimensions and components affecting the financial health of companies was obtained by using theoretical studies, summarizing the opinions of experts in the field of accounting and financial management, analyzing the opinions of the statistical community and receiving the opinions of experts in the fields related to the research. The second results of this research showed that audit opinion, internal audit unit, use of non-commissioned persons, use of members with financial knowledge, separation of the role of the CEO from the role of the chairman of the board of directors, excessive instability of the CEO, stability of earnings and disclosure of non-financial information on Financial health has a positive and significant effect, and profit smoothing, profit management, operational risk and information asymmetry have a negative and significant effect on financial health.

Keywords: Financial health, Corporate governance, Earnings information content, Board of directors characteristics, Corporate risks, Information disclosure

DOR: 20.1001.1.27171809.1403.5.2.2.1

1. Ph.D Student of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Corresponding Author: Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. m_hamidian@azad.ac.ir
3. Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.

۲
سال پنجم
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۲/۱۴
تاریخ بازنگری:
۱۴۰۳/۰۳/۰۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۰۸
تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۰۴/۰۶
صص: ۷۶-۴۵

شاپا چاپی: ۱۸۰۹-۲۷۱۷
الکترونیکی: ۱۹۹x-۲۷۱۷

طراحی مدل مفهومی عوامل مؤثر بر سلامت مالی در چرخه حیات شرکت‌ها با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد

مصطفی ظهیر[۱] | | محسن حمیدیان[۲] | رویا دارابی[۳]

چکیده

پژوهش حاضر؛ طراحی مدل مفهومی عوامل مؤثر بر سلامت مالی در چرخه حیات شرکت‌ها با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد را مورد تحلیل قرار داده است. این پژوهش به لحاظ رویکرد پژوهشی، آمیخته؛ در بخش کیفی از نوع اکتشافی و در بخش کمی؛ از نوع توصیفی– علّی است. در راستای اجرای این پژوهش، ابتدا با استفاده از مبانی نظری؛ ابعاد، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر سلامت مالی استخراج و به روش دلفی، پنج بعد (شامل حاکمیت شرکتی، محتوای اطلاعاتی سود، ویژگی‌های هیئت‌مدیره، ریسک‌های شرکتی و افشای اطلاعات) و بیست مؤلفه شناسایی و مورد اجماع قرار گرفت. جامعه موردمطالعه در بخش مصاحبه در این پژوهش؛ شامل ۲۱ فرد خبره با دانش حسابداری و مدیریت مالی بوده و جامعه آماری در بخش کمّی؛ سطوح مختلف مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بودند. در ادامه داده‌های موردنیاز با استفاده از توزیع پرسش‌نامه‌هایی محقق ساخته در بین ۲۰۱ نفر؛ جمع‌آوری گردید. پس از آن؛ برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از روش‌های آمار استنباطی نظیر آزمون t و مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش PLS استفاده شد. اولین نتیجه این پژوهش؛ شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سلامت مالی شرکت‌هاست که با استفاده از مطالعات نظری، جمع‌بندی نظرات خبرگان حوزه حسابداری و مدیریت مالی، تجزیه‌وتحلیل نظرات جامعه آماری و دریافت نظرات متخصصان حوزه‌های مرتبط با پژوهش به دست آمد. دومین نتایج این پژوهش نشان داد که اظهارنظر حسابرسی، واحد حسابرسی داخلی، استفاده از افراد غیرموظف، استفاده از اعضای دارای دانش مالی، تفکیک نقش مدیرعامل از نقش ریاست هیئت‌مدیره، عدم ثبات بیش از حد مدیرعامل، پایداری سود و افشای اطلاعات غیرمالی بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته و هموارسازی سود، مدیریت سود، ریسک عملیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی بر سلامت مالی تأثیر منفی و معناداری دارند.

کلیدواژه‌ها: سلامت مالی، حاکمیت شرکتی، محتوای اطلاعاتی سود، ویژگی‌های هیئت‌مدیره، ریسک‌های شرکتی، افشای اطلاعات

DOR: 20.1001.1.27171809.1403.5.2.2.1

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران‌جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m_hamidian@azad.ac.ir
۳. دانشیارگروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط مجوز Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC BY-NC) توزیع شده است.

مقدمه و بیان مسئله

باتوجه‌به اینکه هدف نهایی هر بنگاه اقتصادی افزایش ثروت سهامداران بوده و عملکرد مطلوب سبب بالارفتن ارزش شرکت و در نهایت افزایش ثروت سهامداران می‌گردد، شرکت‌ها بدون داشتن استراتژی‌های مناسب نمی‌توانند به اهداف خود دست پیدا کنند. از سوی دیگر، تدوین استراتژی در نتیجه ارزیابی عملکرد از ابعاد مختلف حاصل می‌گردد. رقابتی‌تر شدن فضای کسب‌وکار در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی، در کنار مزایای متعدد که به وجود آورده، پیچیدگی‌های فراوانی را نیز به همراه داشته است. در فضای پیچیده اقتصادی کنونی که فاکتورهای مختلفی بر فرایندهای کسب‌وکار و تجارت تأثیر گذاشته است، داشتن یک راهبرد و نقشه راهی که بتواند شرکت را در مسیر صحیح هدایت نماید، بسیار مفید خواهد بود. استراتژی‌ها سبب می‌شوند تا یک شرکت با طی نمودن مراحل به‌صورت تدریجی و هدفمند، به سمت جایگاه بالاتر حرکت نماید (هنیواتی و همکاران[1]، ۲۰۲۱). ازآنجایی‌که سلامت مالی یک واحد اقتصادی نشان‌دهنده سودآوری و توان ادامه فعالیت آن است، برای سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان اهمیت بسزایی دارد، چرا که شکست‌های کم‌سابقه شرکت‌های بزرگ در طی سالیان اخیر و نوسانات بزرگ در بازار بورس اوراق بهادار ایران، باعث شده تا بحران‌های مالی در شرکت‌ها و صنایع مختلف داخلی ایجاد شده و نااطمینانی‌های شدیدی را به دنبال داشته باشد. بدین ترتیب، وجود ابزارهایی به‌منظور ارزیابی توان و سلامت مالی در شرایط محیطی کنونی بسیار ضروری است. مسائل مربوط به‌سلامت مالی بنگاه‌های اقتصادی، همواره به‌عنوان یکی از موضوعات قابل‌تأمل در حوزه حسابداری و مالی مطرح بوده و اندیشمندان این حوزه به طور مستمر به دنبال یافتن روش‌ها و معیارهایی به‌منظور ارزیابی شاخص‌های مربوط به‌سلامت مالی شرکت‌ها بوده‌اند تا از این طریق بتوانند به پیش‌بینی درماندگی‌های مالی و ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی بپردازند. یکی از ابزارها و راهکارهای ارزیابی توان و سلامت مالی یک شرکت، استفاده از نسبت‌های مالی استخراج شده از صورت‌های مالی و انواعی از مؤلفه‌های مبتنی بر ارزش به‌عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده سلامت مالی آن است (ساجت عطیه، ۱۴۰۲). موضوع ارزیابی سلامت مالی شرکت‌ها از دیرباز موضوع مهمی بوده است و مباحث متعددی در حسابداری و مدیریت به بحث سلامت مالی

1. Heniwati et al

شرکت‌ها اختصاص دارد و بیشترین مقالات نظری در این زمینه این است که کدام یک از معیارهای ارزیابی سلامت مالی شرکت‌ها؛ معتبرتر است. برخی معتقدند شاخص ایده‌آلی برای سنجش سلامت مالی شرکت‌ها وجود ندارد. ارزش واقعی شرکت ارزیابی سلامت مالی شرکت یک ضرورت است و برای آن باید از معیارهای پذیرفته شده استفاده کرد که تاحدامکان جنبه‌های مختلف محدودیت در فعالیت‌ها و امکان بهره‌مندی از تسهیلات را در نظر گرفت (مارک و الکساندر[1]، ۲۰۱۷)

نظر به اهمیت این موضوع؛ محقق در پژوهش فعلی به ارائه الگوی عوامل مؤثر بر سلامت مالی در چرخه حیات شرکت‌ها خواهد پرداخت.

مبانی نظری پژوهش

نیاز سازمان‌ها به سازگاری با محیط تجاری پویا و پیچیده امروزی، برای ادامه بقا که ناشی از توسعه بازارهای رقابتی است، از یک سو و فشار مجامع سرمایه‌گذار به مدیران جهت تعیین ارزش و تبیین معیارهای سنجش دقیق و شفاف از سوی دیگر، باعث شد شرکت‌ها سیستم‌های سنتی پاداش و ارزیابی سلامت مالی را مورد بازنگری قرار داده و دوباره آنها را مورد آزمون قرار دهند که آیا مبنای صحیح و قابل اتکایی برای تصمیم‌گیری بوده‌اند یا خیر؟ در حال حاضر تکنیک‌های سنجش سلامت مالی بیش از آنکه بر چارچوب اصول حسابداری استوار باشند، بر اساس تئوری‌های اقتصادی بنا شده‌اند. سرمایه شرکت، یکی از محدودترین منابع اقتصادی کشورها محسوب می‌شود و به همین دلیل اقتصاددانان و متخصصین امور مالی همواره در پی راه‌های استفاده مطلوب از آن برای گذاشتن در اختیار مدیران واحدهای اقتصادی هستند (نیکولاس و داریو[2]، ۲۰۲۲). بنابراین، آنچه که نیاز به بررسی و تجدیدنظر دارد، اعتبار رویه‌هایی است که برای تخصیص مطلوب منابع و پس‌اندازهای جامعه در فعالیت‌های کارا و پر بازده استفاده می‌شود و در نهایت منجر به رشد اقتصادی و اجتماعی و جلب‌اطمینان مردم در به‌کارگیری مناسب سرمایه آنها می‌شود. در عصر امروزه، کسب‌وکارهای مختلف با فشارهای بیرونی و درونی مختلفی درگیر هستند که مصداق بارز این‌گونه فشارها؛ محصولات و کیفیت آن‌ها، فناوری اطلاعات، مشتریان و

1. Marc & Alexander
2. Nicolas & Dario

قوانین و مقررات است. در این راستا، ضمن توجه به این‌گونه فشارها، ایجاد ارزش برای سهام‌داران آن هم برای دوره‌های طولانی‌مدت می‌بایست در سرلوحه فعالیت‌های شرکت‌های مختلف باشد (عاطفی‌فر و فتحی، ۱۳۹۹). نکته مثبت در راستای این امر، آن است که طی سال‌های اخیر، علاقه‌مندی مدیران، کارمندان، عرضه‌کنندگان و دولت در جهت بهبود سلامت مالی شرکت‌ها بیشتر شده است که این امر می‌تواند زمینه‌ساز افزایش ارزش‌آفرینی شرکت‌ها شده و به‌گونه‌ای سلامت مالی شرکت‌ها را تضمین نماید. فساد و سلامت در پژوهش‌های مختلف؛ دونقطه مقابل هم بوده و هستند. محققین مختلف، فساد و سلامت را دوروی یک سکه تعبیر کرده‌اند که همواره در تضاد با هم هستند. اگر توجه خود را به منابع فساد متمرکز کنیم، متوجه می‌شویم که فساد در متن اجتماع به وقوع می‌پیوندد و دارای عوامل مختلف بوده و اشکال متفاوتی هم دارد و به‌تبع آن، اثرات گوناگونی هم خواهد داشت. اشکال مختلف فساد را می‌توان در قالب اختلاس، اخاذی، ارتشا و کلاهبرداری دانست. با اینکه به نظر می‌آید که مفاهیم یادشده تا حد زیادی با هم هم‌راستا بوده و با هم همپوشانی دارند، اما می‌توان از آنان برای تفکیک و حتی توضیح رفتارهای مفسدانه استفاده نمود (قادری و همکاران، ۱۴۰۰). در فساد فردی، افراد بالامرتبه و کارکنان مختلف، فقط منافع شخصی خود را در نظر گرفته و منافع و سلامت مالی شرکت را در نظر نمی‌گیرند. در فساد نهادی، کارکنان منافعی را دریافت کرده و موقعیت‌های شغلی خود را ترقی بخشیده و به‌گونه‌ای، منافع سیاسی را دریافت می‌کنند. سلامت مالی یکی از ویژگی‌های مهم در شرکت‌های مختلف است. می‌توان بیان داشت شرکت‌هایی که دارای سلامت مالی هستند، پرداختی‌های خود را به‌موقع انجام داده و مدیریت دارایی‌های خود را به‌صورت جذبی انجام می‌دهند. تحقیقات مختلفی (نظیر میزیک و جاکوبسون[1] (۲۰۰۹) و اوسینگا و همکاران[2] (۲۰۱۱)) نشان داده‌اند که حدود ۵۷٪ شرکت‌های حاضر در کشورهای مختلف، دارای سلامت مالی نیستند. نظر به این امر و اهمیت کسب سلامت مالی در شرکت‌های مختلف، مدیران شرکت‌ها می‌بایست از طریق ارائه خدمات مالی نوین و به‌کارگیری تکنولوژی‌های برتر، زمینه لازم برای کسب سلامت مالی شرکت‌ها را فراهم آورند (استفان و نورهیم[3]، ۲۰۲۲). اهمیت سلامت مالی شرکت‌ها و همچنین شناسایی عوامل

1. Mizik & Jacobson
2. Osinga et al
3. Stéphane & Norheim

مؤثر بر آن؛ در کشورهای مختلف سبب شده است که محققین بسیاری در جهت شناسایی این تلاش نمایند. به‌عنوان نمونه؛ هنسی و وایتد[1] (۲۰۰۷) بر این اعتقاد هستند که نام تجاری یکی از عوامل محتمل بر سلامت مالی شرکت‌ها است. زیرا نام تجاری یکی از سیگنال‌های پرقدرت در جهت معرفی نمودن ارزش و اعتبار شرکت و همچنین ارتباط سیاسی است. در پژوهش‌های دیگر، ارتباط میان عملکرد مالی و سلامت مالی نیز موردتوجه قرار گرفته است. بدین صورت که محرز شده است که شرکت‌هایی که سلامت مالی بیشتری دارند، از عملکرد مالی بهتری نیز برخوردار بوده‌اند. لازم به ذکر است سلامت مالی در مفهوم توان سودآوری و تداوم فعالیت بهتر، برای کلیه استفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی از اهمیت زیادی برخوردار است. بدین صورت که اقشار مختلف استفاده‌کننده از اطلاعات صورت‌های مالی، می‌توانند از طریق تجزیه‌وتحلیل این اطلاعات، میزان سلامت مالی شرکت‌ها را ارزیابی کنند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰).

پیشینهٔ پژوهش

پیشینه داخلی

ساجت عطیه (۱۴۰۲) به بررسی تجزیه و تحلیل عملکرد مالی استراتژیک و تاثیر آن بر سلامت مالی پرداخت. وی دریافت یکی از چالش های بزرگی که مدیران شرکت ها با آن روبرو هستند، تخصیص بهینه منابع مالی کمیاب و تصمیم گیری های مالی مناسب به منظور دست یابی به نرخ بازدهی به میزان بالاتر از هزینه سرمایه می‌باشد. بدین ترتیب، ایجاد ارزش افزوده اقتصادی نیز می‌تواند در بحث معیارهای ارزیابی عملکرد مالی شرکت ها دارای اهمیت باشد. برای بنگاه های اقتصادی مهم است که بدانند نسبت فروش و دارایی ها باید با چه نرخی افزایش پیدا کند تا با کمبود نقدینگی مواجه نگردند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که به کارگیری استراتژی های صحیح مالی به منظور دستیابی به سلامت مالی مطلوب و در نهایت افزایش ثروت سهام داران، یکی از اهداف غایی بنگاه های اقتصادی و تجاری محسوب می‌گردد. عباسی و همکاران (۱۴۰۰) به ارزیابی محتوای اطلاعاتی الگوی رتبه‌بندی با استفاده از شاخص‌های سلامت مالی و هشدار سریع در بانک‌ها پرداختند. در این مسیر پس از معرفی الگوی پیشنهادی رتبه‌بندی شامل ۳۵ معیار

1. Hennessy & Whited

بر اساس نظر خبرگان و به شیوه تاپسیس، ارتباط میان الگوی رتبه‌بندی و شاخص‌های سلامت مالی و هشدار سریع با استفاده از اطلاعات ۱۵ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۴، با استفاده از رگرسیون بررسی شد. در این پژوهش شاخص‌های کمّی شامل ابعاد مالی (نقدینگی، سودآوری، سرمایه و خطر دارایی‌ها)، ابعاد کیفی (پیچیدگی و رفتار بانک‌ها) و ابعاد محیطی (متغیرهای اقتصادی، پشتیبانی دولت و ویژگی‌های صنعت) بود. نتایج این پژوهش نشان داد که بین الگوی رتبه‌بندی و شاخص‌های سلامت مالی و هشدار سریع رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. قادری و همکاران (۱۴۰۰) به توسعه مفهوم سازه‌های حسابداری پایداری و سلامت مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه ایران پرداختند. جامعه آماری این پژوهش، مدیران و کارشناسان مالی شرکت‌های مورد بررسی بوده و جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد استفاده شد. در ادامه پس از انجام آزمون‌های پایایی و روایی داده‌های نمونه، تحلیل‌های مربوط بر اساس رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (حداقل مربعات جزئی) به کمک نرم‌افزار smart-pls صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که سلامت مالی شرکت‌ها تحت تأثیر سازه‌های پایداری حسابداری (فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری، شفافیت طرز فکر حسابداری و گزارشگری مسئولیت اجتماعی) قرار می‌گیرد. عاطفی‌فر و فتحی (۱۳۹۹) به بررسی اثربخشی شاخص‌های سلامت مالی به عنوان نمادهای بحران مالی بانکی با بکارگیری مدل‌های لاجیت چند متغیره (مطالعه موردی بانک‌های پذیرفته شده در بورس) پرداختند. این پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی؛ روش‌شناسی پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها ترکیبی از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شد. همچنین از بین بانک‌های پذیرفته شده در بورس تهران؛ تعداد ۹ بانک برای نمونه انتخاب شدند. مطابق با یافته‌های تحقیق، با توجه به انتخاب روش Enter برای ورود داده‌ها، بر اساس آماره sig؛ ضریب ۴ متغیر (LQ4، LQ1، CA1 و LQ2) معنی‌دار بودند. بر اساس، تنها ۴ نسبت مالی از بین نسبت‌های کمل معرفی شده در رتبه‌بندی صحیح بانک‌های مورد مطالعه بر اساس مقدار ترکیبی کمل موثر بودند. همچنین مطابق با تکنیک دلفی، کیفیت مدیریت با وزن نرمال ۰,۲۲۱ از بیشترین اولویت برخوردار بود، کیفیت دارایی با وزن ۰,۱۰۴ در اولویت دوم، نقدینگی با وزن ۰,۰۸۵ در اولویت سوم، کفایت سرمایه با وزن نرمال ۰,۷۵ در اولویت چهارم و سودآوری با وزن نرمال ۰,۷۰ در اولویت آخر قرار

گرفت. جمالزاده (۱۳۹۹) به بررسی عوامل موثر بر سلامت مالی بانک‌های کشاورزی از دیدگاه کارشناسان بانک شهرستان شیراز پرداخت. جامعه آماری مورد نظر، کلیه مدیران شعب، روسای شعب، و کارشناسان بانک کشاورزی در سطح شهرستان شیراز بود که با توجه به وسعت جامعه (N=270) از روش تمام‌شماری استفاده شد. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه بوده و روایی محتوایی و شکلی پرسشنامه، با نظر کارشناسی متخصصان مربوطه تأئید گردید. همچنین جهت تعیین پایایی از آزمون مقدماتی استفاده شد و ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسشنامه محاسبه و در نهایت میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بدست آمد. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه مشخص نمود سه متغیر عوامل آموزشی، اجتماعی و اقتصادی حدود ۷۱ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را ایجاد می‌نمایند. باکری جعفرکلایی (۱۳۹۹) به بررسی مقاومت‌پذیری و سلامت مالی سازمان پرداخت. آنان بیان داشتند که مقاومت‌پذیری سازمانی به مفهوم توانایی سازمان در پشت سر گذاشتن مشکلات‌ها و بحران‌ها می‌باشد. روشن است که سازمان‌های یک کشور تعیین کننده سرنوشت اقتصاد آن کشور می‌باشند؛ زیرا این سازمان‌ها هستند که با اشتغال‌زایی، تولید و عرضه کالاها و خدمات به گردش سرمایه در جامعه کمک می‌کنند. نتایج این تحقیق نشان داد که افزایش سلامت مالی سازمان در طی زمان منجر به افزایش مقاومت‌پذیری سازمان در برابر بحران‌ها می‌شود. قهرمانی و کریم‌زاده (۱۳۹۹) به شناسایی عوامل ارتقای سلامت مالی در چرخه انعقاد قراردادهای پیمانکاری دولتی (مطالعه موردی: ادارات دولتی جنوب استان آذربایجان غربی) پرداختند. در پژوهش حاضر، کارمندان ادارات جنوب استان آذربایجان غربی به عنوان جامعه آماری انتخاب و حجم نمونه ۳۰۲ نفر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون نشان داد که به ترتیب، اطلاع‌رسانی الکترونیکی، وضعیت اقتصادی کارکنان و عوامل انسانی، بیشترین تاثیر را در ارتقای سلامت مالی دارند و عوامل نظارت و ارزیابی مستمر، شرایط انعقاد قرارداد و مستندسازی فرآیندکار، بعد از عوامل مذکور قرار دارند. مران‌جوری و همکاران (۱۳۹۹) به سنجش حسابداری سلامت و رابطه آن با ارزش شرکت با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی پرداختند. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر اجرا، توصیفی از نوع بوده و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۹ بود.

در این پژوهش برای سنجش حسابداری سلامت از فن تحلیل محتوا و واحد اندازه‌گیری جمله استفاده شد که سنجش حسابداری سلامت نشان داد که از نظر موضوع، شرکت‌ها در بخش آموزش بیشترین و در بخش پیش‌گیری، کم‌ترین مقدار افشا را داشته‌اند. همچنین محرز گردید از نظر نحوه افشای حسابداری سلامت، بیشتر افشاها به‌صورت کیفی بوده و افشای پولی کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده و از طرفی افشای حسابداری سلامت با ارزش شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری داشته و حاکمیت شرکتی موجب شدت رابطه بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت می‌شود. سیدی و همکاران (۱۳۹۸) به ارزیابی شاخص‌های سلامت مالی بانک های تجاری از دیدگاه خبرگان بانکی پرداختند. به این منظور ۵۰۷ پرسشنامه در سال ۱۳۹۷ در بین خبرگان بانکی شامل بانک‌های تجاری کشور و همچنین خبرگان دانشگاهی توزیع و به منظور تحلیل آماری داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار آماری R و روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد از دیدگاه خبرگان بانکی و دانشگاهی، علاوه بر شاخص‌های کملز شامل مؤلفه‌های کفایت سرمایه، کیفیت دارایی، سودآوری، نقدینگی، کیفیت مدیریت و حساسیت نسبت به ریسک بازار، شاخص‌های دیگری نظیر بانکداری اسلامی، حاکمیت شرکتی و الزامات قانونی بر سلامت مالی بانک‌ها تأثیرگذار هستند. همچنین نتایج نشان داد مؤلفه‌های سلامت مالی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. ملکیان کله‌بستی و محمدی (۱۳۹۸) به ارائه مدلی جهت سنجش سلامت مالی در بانکداری ایران با درنظر گرفتن شاخص‌های کملز و حاکمیت شرکتی پرداختند. در این مسیر و در ابتدا؛ با استفاده از نظر خبرگان، عوامل موثر بر شاخص حاکمیت شرکتی (به عنوان عامل اثرگذار بر شاخص کملز و سلامت بانکداری) شناسایی و در نهایت با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی فازی؛ مجموع عوامل موثر بر شاخص کملز و حاکمیت شرکتی به صورت همزمان رتبه‌بندی گردید. نتایج نشان داد که پنج عامل برتر در سلامت بانکداری به ترتیب شامل انتخاب مدیریت ارشد از طریق فرآیندهای کارمندیابی و ملحوظ نظر داشتن صلاحیت مورد نیاز برای پست مدیریت ارشد، وجود کمیته حسابرسی در بانک، نسبت کفایت سرمایه، تعیین راهبرد و خط‌مشی سلامت مالی بانک و ساختار سازمانی توسط هیات مدیره و نسبت تسهیلات غیرجاری/تسهیلات می‌باشد. عطائی سلامی (۱۳۹۷) به بررسی و ارائه مدل سنجش و ارزیابی سلامت مالی در شرایط محیطی ایران پرداخت. این پژوهش از نوع مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیلی-

علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) بوده است. در این پژوهش اطلاعات مالی ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت با توجه به تجزیه‌وتحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه سوم پژوهش؛ محققین به این نتیجه رسیدند که بین معیار اندازه‌گیری ریسک سیگما با سلامت مالی شرکت‌ها بر اساس سنجش مدل Z آلتمن ارتباط معنادار و مستقیمی وجود دارد. جهاندار لاشکی (۱۳۹۶) سنجش حسابداری سلامت و رابطه آن با ارزش شرکت دربورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داد. این پژوهش از داده‌های ثانویه استفاده کرده و اطلاعات لازم از گزارشات سالانه و صورت‌های مالی شرکت‌های مورد نظر استخراج شد. همچنین برای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews و SPSS و از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. در این مسیر شاخص حاکمیت شرکتی با استفاده از چک‌لیست اندازه‌گیری شد و برای سنجش حسابداری سلامت نیز ابتدا چک‌لیست افشای حسابداری سلامت تدوین و سپس مورد استفاده قرار گرفته و ارزش شرکت نیز با نسبت کیوتوبین اندازه‌گیری شد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که بین حسابداری سلامت و حاکمیت شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و با افزایش قدرت حاکمیت شرکتی میزان افشای حسابداری سلامت نیز یافته و از طرفی بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت نیز رابطه مثبت معناداری وجود داشت. شاهرخی (۱۳۹۶) به بررسی و تجزیه‌وتحلیل عوامل موثر در سلامت مالی شرکت‌ها با رویکرد fcm پرداخت. وی دریافت امروزه سلامت مالی یکی از مولفه‌های اساسی در شرکت‌های مالی است. در واقع، شرکت‌های دارای سلامت مالی پرداختی‌های به موقعی دارند و دارای توانایی مدیریت دارایی هستند. از طرفی می‌توان سلامت مالی را معیاری برای سنجش ورشکستگی یا عدم ورشکستگی یا به تعبیری دیگر، موفقیت یا عدم موفقیت شرکت‌ها دانست. امروزه، ۵۷٪ کشورها -۱۳۸ میلیون نفر- دارای عدم سلامت مالی هستند. این امر در زندگی افراد موثر است. در حوزه سلامت مالی مشتری، با اندازه‌گیری سلامت مالی می‌توان به این امر پی برد که کدام محصولات مشتری را فراهم می آورد و کدام نه. بنابراین، بهبود سلامت مالی منجر به بهبود درآمد مالی می‌شود.

پیشینه خارجی

نیکولاس و داریو[1] (۲۰۲۲) به بررسی کمبود سلامت مالی در دوره‌های مختلف حیات شرکت‌ها پرداختند. آنان دریافتند شیب بین درآمد و سلامت مالی به‌خوبی مشخص شده است: هر چه درآمد کمتر باشد، سلامت مالی ضعیف‌تر است. بااین‌حال، درآمد کم (داشتن منابع اقتصادی کم) ممکن است برای مشخص‌کردن آسیب‌پذیری اقتصادی کافی نباشد، و کمبود مالی (درک داشتن منابع اقتصادی ناکافی) ممکن است سلامت مالی را بیشتر کاهش دهد. بر اساس نتایج و در ابتدا، تجزیه‌وتحلیل داده‌های ملی (بیش از ۲۷۵۰۰۰ شرکت‌کننده از بیش از ۲۰۰ سال کشور) نشان داد که کمبود مالی با دوبرابر احتمال ابتلا به کاهش سلامتی مالی مرتبط است. این ارتباط در ۹۰ درصد از مشاهدات مالی مشاهده شد. دوم، تجزیه‌وتحلیل داده‌های طولی (بیش از ۲۰۰۰۰ شرکت‌کننده در طول ۲۰ سال ارزیابی) نشان داد که مواجهه با کمبود مالی در طول زندگی باعث کاهش سلامت مالی می‌شود. استفان و نورهیم[2] (۲۰۲۲) به برآورد و مقایسه پیامدهای حفاظت از ریسک و سلامتی مالی در ارزیابی‌های اقتصادی پرداختند. تحقیق حاضر از لحاظ روش تحقیق توصیفی و از لحاظ هدف از نوع کاربردی است. داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه، وارد سیستم نرم‌افزار spss25 گردید. برای تحلیل استنباطی متغیرها از به‌منظور تجزیه‌وتحلیل آماری داده‌ها از آزمون‌های مختلف آماری شامل آزمون کلموگروف اسمیرنوف و رگرسیون استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد، عوامل سلامت مالی (اقتصادی، فردی، اجتماعی و سیاسی) بر عملکرد مالی تأثیر دارد. آوری و همکاران[3] (۲۰۲۲) به بررسی مزایای بالقوه سلامت مالی و توزیعی افزایش مالیات بر تنباکو در اتیوپی: یافته‌های یک مطالعه مدل‌سازی پرداختند. آنان دریافتند بررسی سلامت مالی یکی از مسائل روز بنگاه‌های اقتصادی است. تعیین سلامت مالی نیازمند آنالیز سیستماتیک در مورد اطلاعات مالی موجود است. سلامت مالی به مفهوم توان سودآوری و تداوم فعالیت واحد اقتصادی برای کلیه سهامداران و ذی‌نفعان از اهمیت بالایی برخوردار بوده و موضوعی است که به بحث تداوم فعالیت، ورشکستگی، درماندگی مالی و ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری (مربوط بودن و قابل‌اتکا بودن) در ارتباط است؛ لذا باید در

1. Nicolas & Dario
2. Stéphane & Norheim
3. Averi et al

حوزه‌های عملیاتی، بازاریابی، مالی، حسابداری دست به ارزیابی عملکرد زد. هنیواتی و همکاران[1] (۲۰۲۱) به بررسی سلامت مالی بانک‌ها پرداختند. آنان دریافتند دلایل کاهش سلامت مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی عبارت‌اند از: الف) ضعف سیستم مدیریت ریسک، ب) عدم وجود دستگاه نظارتی کارآمد، پ) فقدان نظام‌های تنبیهی متناسب و ج) فقدان فناوری اطلاعات پیشرفته در سیستم بانکی. از طرفی چهار راهکار برای افزایش سلامت مالی بانک‌ها نیز عبارت‌اند از الف) ایجاد رویکرد مبتنی بر ریسک در سیستم بانکی، ب) مبارزه جدی با پول‌شویی، ج) تجدید ساختار سیستم نظارتی بخش مالی کشور و د) توسعه فناوری در بانک‌ها. نیرانجان و همکاران[2] (۲۰۲۱) به بررسی عوامل محتمل مؤثر بر سلامت مالی در شرکت‌های هلدینگ با رویکرد سود تقسیمی پرداختند. آنان با استفاده از نمونه بزرگی از شرکت‌های هلدینگ بانکی ایالات متحده از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۲۰، نشان دادند که رابطه مثبتی بین سود سهام بانک‌ها با یک‌چهارم تأخیر و سلامت مالی آنها در سه‌ماهه جاری وجود دارد. همچنین محققین دریافتند که این رابطه مثبت برای بانک‌هایی باکفایت سرمایه پایین‌تر و در طول بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ مشهودتر است که نشان می‌دهد برای بانک‌هایی با این ویژگی‌ها ضروری‌تر است که از سود سهام برای انتقال اطلاعات مربوط به‌سلامت مالی خود استفاده کنند. تحلیل‌های اضافی نیز نشان داد که کل پرداخت‌ها نیز به طور مثبت با سلامت مالی بانک مرتبط است و رابطه مثبت بین سود سهام و سلامت مالی در مورد بانک‌های خصوصی نیز صدق می‌کند، اما این میزان برای آنها ضعیف‌تر از بانک‌های دولتی است. یافته‌های کلی تکمیل‌کننده فرضیه کاهش ریسک در سیاست‌های مالی شرکت و پرداخت بانکی است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ رویکرد پژوهشی، پژوهشی آمیخته از نوع اکتشافی در بخش کیفی و در بخش کمی؛ یک پژوهش توصیفی– علّی است.

در پژوهش حاضر، گردآوری اطلاعات در چند گام صورت می‌گیرد.

1. Heniwati et al
2. Niranjan et al

در گام اول و به‌منظور بررسی روایی پرسش‌نامه‌ها از روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با نخبگان حرفه استفاده خواهد شد. باید توجه داشت که در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته؛ اگر چه محقق از قبل موضوعات و عناوینی را که برای پوشش‌دادن به اطلاعات لازم هستند تهیه کردند؛ ولی همه سؤالات از قبل تهیه نشده‌اند و جریان مصاحبه تا حد زیادی متکی بر سؤال‌هایی است که خودبه‌خود در تعامل مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده پیش می‌آیند و پس از مصاحبه، سؤالات نهایی طراحی و تکمیل خواهند شد. تمامی مصاحبه‌ها پس از هماهنگی لازم با شرکت‌کنندگان واجد شرایط، در محلی که موردنظر آن‌ها خواهد بود و با تعیین وقت قبلی در محیطی دلخواه آنان انجام خواهد شد. در ابتدا و قبل از شروع مصاحبه، پژوهشگر به شفاف‌سازی در خصوص فواید انجام این تحقیق خواهد پرداخت. سپس محقق باتوجه‌به اهداف تعیین‌شده پژوهش، انواع متعددی از سؤالات ممکن را بر اساس راهنمای مصاحبه مطرح خواهد نمود.

پس از بررسی عوامل محتمل مؤثر بر احتمال سلامت مالی از جنبه‌های مختلف، و تعیین ارتباط بین مقوله‌ها در سطوح مختلف و مسیریابی شرطی، مرحلهٔ کدگذاری محوری به پایان رسیده تا در گام نهایی تحلیل، کدگذاری گزینشی و خلق نظریه و مدل نهایی انجام شود.

نتیجه کدگذاری‌ها در جدول ۱ نشان‌داده‌شده است.

جدول ۱. نتیجه کدگذاری‌ها در قالب شناسایی عوامل علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر

نوع مقوله	مقوله	شرح	مرحله تأثیرگذاری
علّی	حاکمیت شرکتی	چرخش شرکای مؤسسه حسابرسی	پیدایش
		اظهارنظر حسابرسی	پیدایش
		وجود تعدیلات سنواتی	پیدایش
		واحد حسابرسی داخلی	پیدایش
زمینه‌ای	محتوای اطلاعاتی سود	هموارسازی سود	پیدایش
		مدیریت سود	پیدایش
		پایداری سود	پیدایش
		کیفیت سود	پیدایش
		شفافیت سود	پیدایش
	ویژگی‌های هیئت‌مدیره	استفاده از افراد غیرموظف	رشد
		استفاده از اعضای دارای دانش مالی	رشد

جدول ۱. نتیجه کدگذاری‌ها در قالب شناسایی عوامل علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر

نوع مقوله	مقوله	شرح	مرحله تأثیرگذاری
		تفکیک نقش مدیرعامل از نقش ریاست هیئت‌مدیره	رشد
		عدم ثبات بیش از حد مدیرعامل	رشد
مداخله‌گر	ریسک‌های شرکتی	ریسک گزارشگری	بلوغ
		ریسک عملیاتی	بلوغ
		ریسک استراتژی	بلوغ
	افشای اطلاعات	عدم تقارن اطلاعاتی	افول
		هزینه سرمایه پایین	افول
		افشای اطلاعات غیرمالی	افول
		نقدشوندگی سهام	افول

پس از شناسایی عوامل، می‌توان فرضیه‌های پژوهش را به شرح زیر تدوین نمود.

فرضیه اصلی اول و دوم بر اساس عوامل تأثیرگذار بر سلامت مالی در مرحله پیدایش است.

فرضیه اصلی اول: حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱: چرخش شرکای موسسه حسابرسی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲: اظهارنظر حسابرسی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۳: وجود تعدیلات سنواتی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۴: واحد حسابرسی داخلی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه اصلی دوم: محتوای اطلاعاتی سود بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۵: هموارسازی سود بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۶: مدیریت سود بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۷: پایداری سود بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۸: کیفیت سود بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۹: شفافیت سود بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه اصلی سوم بر اساس عوامل تأثیرگذار بر سلامت مالی در مرحله رشد است.

فرضیه اصلی سوم: ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۰: استفاده از افراد غیر موظف بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۱: استفاده از اعضای دارای دانش مالی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۲: تفکیک نقش مدیرعامل از نقش ریاست هیأت مدیره بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۳: عدم ثبات بیش از حد مدیرعامل بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه اصلی چهارم بر اساس عوامل تأثیرگذار بر سلامت مالی در مرحله بلوغ است.

فرضیه اصلی چهارم: ریسک‌های شرکتی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۴: ریسک گزارشگری بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۵: ریسک عملیاتی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۶: ریسک استراتژی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه اصلی پنجم بر اساس عوامل تأثیرگذار بر سلامت مالی در مرحله افول است.

فرضیه اصلی پنجم: افشای اطلاعات بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۷: عدم تقارن اطلاعاتی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۸: هزینه سرمایه پایین بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱۹: افشای اطلاعات غیر مالی بر سلامت مالی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۲۰: نقدشوندگی سهام بر سلامت مالی تأثیر دارد.

جامعه موردمطالعه در بخش مصاحبه در این پژوهش؛ شامل خبرگان مرتبط با موضوع پژوهش است که دارای حرفه مرتبط با حسابداری و مدیریت مالی هستند. نمونه‌گیری این مطالعه بر اساس روند تحقیقات کیفی یا به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند آغاز شده و با نمونه‌گیری نظری ادامه خواهد یافت. به‌این‌ترتیب ابتدا به طور هدفمند به سراغ افرادی خواهیم رفت که دررابطه‌با موضوع پژوهش فعلی؛ غنی از اطلاعات مرتبط با سلامت مالی بوده و بتوانند در فهم مسئله پژوهش و پدیده محوری مؤثر باشند؛ سپس، نمونه‌گیری تا سرحد نیل به اشباع نظری (یعنی زمانی که نمونه بعدی هیچ‌چیز تازه‌ای به مقوله‌های پدیدار شده و نظریه در حال ظهور نمی‌افزود)، ادامه خواهد یافت. در این پژوهش بعد از مراجعه به مشارکت‌کننده ۱۴ تا حدودی اشباع نظری برای محقق محرز خواهد گردید اما جهت دستیابی به اطمینان بیشتر و تکمیل حفره‌های مفهومی الگوی تدوین شده؛ مراجعه

بـه ۷ تـن دیگـر از نخبگـان در دسـتور کـار قـرار خواهـد گرفـت و در نهایـت تعـداد کـل مشارکت‌کنندگان به ۲۱ نفر رسید. در بخش کمّی؛ جامعه آماری در پـژوهش حاضـر، سـطوح مختلف مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند. در پـژوهش حاضـر از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای با استفاده از فرمول کـوکران اسـتفاده خواهـد شـد. فرمـول کوکران یک روش تعیین حجم نمونه در روش تحقیـق اسـت. ایـن روش توسـط ویلیـام کـوکران William Cochran به سال ۱۹۳۱ ارائه شد. با استفاده از این فرمـول کـوکران مـی‌تـوان حـداقل حجم نمونه لازم برای یک جامعه آماری را برآورد کرد.

حجم نمونه در این روش با فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$n=\frac{\frac{z^2pq}{d^2}}{1+\frac{1}{N}\left(\frac{z^2pq}{d^2}-1\right)}$$

در این فرمول:

N حجم جامعه است. آماره p درصد توزیع صفت در جامعـه یعنـی نسـبت افـرادی اسـت کـه دارای صفت موردمطالعه هستند. آماره q نیـز درصـد افـرادی اسـت کـه فاقـد صـفت موردمطالعـه هستند. مقدار d نیز تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین پژوهشگر برای وجـود آن صفت در جامعه است. دقت نمونه‌گیری به این عامل بستگی دارد و اگر بخواهید نمونه‌گیری دارای بیشترین دقت باشد از حداکثر مقدار d برابر ۰/۵ استفاده شود.

بر اساس نمونه‌گیری فوق، تعداد جامعه آماری ۴۲۲ نفر و تعداد نمونـه آمـاری ۲۰۱ نفـر تعیـین شد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی

اطلاعات فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. اطلاعات فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی

جنسیت		
شرح	تعداد	درصد
مرد	۱۵۳	٪۷۶
زن	۴۸	٪۲۴
تعداد کل	۲۰۱	٪۱۰۰
تحصیلات		
شرح	تعداد	درصد
کارشناسی	۶۰	٪۳۰
کارشناسی‌ارشد	۱۰۳	٪۵۱
دکتری	۳۸	٪۱۹
تعداد کل	۲۰۱	٪۱۰۰
تجربه کاری		
شرح	تعداد	درصد
کمتر از ۶ سال	۳۲	٪۱۶
۶ تا ۱۰ سال	۷۵	٪۳۵
۱۱ تا ۱۵ سال	۶۴	٪۳۲
بالای ۱۵ سال	۳۰	٪۱۷
تعداد کل	۲۰۱	٪۱۰۰

نرخ بازگشت پرسش‌نامه

نرخ بازگشت پرسش‌نامه بر اساس اطلاعات جدول ۳؛ ۱۰۰ درصد پرسشنامه‌های توزیعی، پاسخ داده شده‌اند.

جدول ۳. اطلاعات نرخ بازگشت پرسش‌نامه

تعداد کل پرسش‌نامه‌ها	تعداد پرسش‌نامه‌های پاسخ داده شده	نرخ بازگشت پرسش‌نامه
۲۰۱	۲۰۱	٪۱۰۰

پس از گردآوری اطلاعات حاصل از مطالعه پرسش‌نامه‌های توزیعی، داده‌های حاصل با تحلیل عاملی و روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم‌افزار Excel و SmartPLS مورد تحلیل قرار گرفتند.

نتایج بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ها

نتایج بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ها در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج بررسی روایی و پایایی پرسشنامه‌ها

مراحل چرخه عمر	متغیر	پایایی		روایی
		ضریب آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	
----	سلامت مالی	۰/۷۸۵	۰/۸۶۵	۰/۷۷۷
پیدایش	حاکمیت شرکتی	۰/۸۵۶	۰/۷۲۰	۰/۶۱۲
پیدایش	محتوای اطلاعاتی سود	۰/۸۰۲	۰/۷۱۹	۰/۶۰۳
رشد	ویژگی‌های هیئت‌مدیره	۰/۸۶۴	۰/۸۰۲	۰/۵۵۹
بلوغ	ریسک‌های شرکتی	۰/۸۳۳	۰/۸۶۶	۰/۵۱۲
افول	افشای اطلاعات	۰/۸۰۲	۰/۸۱۳	۰/۵۹۳

بر اساس نتایج حاصله، چون ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۷ و مقدار روایی همگرا، بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۵ است، پایایی و روایی پرسش‌نامه‌های توزیعی تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم

بررسی فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج بررسی فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش

متغیر	ضریب مسیر (β)	اعداد معناداری t	ضریب تعیین (R^2)
چرخش شرکای مؤسسه حسابرسی	۰/۳۲۱	۰/۵۷۴	٪۱۰
اظهارنظر حسابرسی	۰/۵۵۹	۷/۵۹۷	٪۶۹
وجود تعدیلات سنواتی	-۰/۱۵۷	-۰/۱۱۴	٪۱۱
واحد حسابرسی داخلی	۰/۴۱۷	۶/۱۶۱	٪۷۴

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌ها به تفکیک مسیرهای موجود، به شرح زیر تبیین می‌گردد.

در آزمون فرضیه اول، ضریب مسیر متغیر چرخش شرکای مؤسسه حسابرسی برابر ۰/۳۲۱ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۰/۳۲۱ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن کمتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که چرخش شرکای موسسه حسابرسی

بر سلامت مالی تأثیر معناداری نداشته و حکایت از رد فرضیه اول دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۱۰٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات چرخش شرکای موسسه حسابرسی توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه دوم، ضریب مسیر متغیر اظهارنظر حسابرسی برابر ۰/۵۵۹ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۷/۵۹۷ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که اظهارنظر حسابرسی بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه دوم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۶۹٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات اظهارنظر حسابرسی توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه سوم، ضریب مسیر متغیر وجود تعدیلات سنواتی برابر ۰/۱۵۷- و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۰/۱۱۴- بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶- است؛ دال بر این مطلب دارد که وجود تعدیلات سنواتی بر سلامت مالی تأثیر معناداری نداشته و حکایت از رد فرضیه سوم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۱۱٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات تعدیلات سنواتی توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه چهارم، ضریب مسیر متغیر واحد حسابرسی داخلی برابر ۰/۴۱۷ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۶/۱۶۱ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که واحد حسابرسی داخلی بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه چهارم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۷۴٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات واحد حسابرسی داخلی توضیح داده می‌شود.

آزمون فرضیه‌های پنجم تا نهم

نتایج بررسی فرضیه‌های پنجم تا نهم پژوهش در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. نتایج بررسی پنجم تا نهم پژوهش

متغیر	ضریب مسیر (β)	اعداد معناداری t	ضریب تعیین (R^2)
هموارسازی سود	-۰/۴۱۵	-۲/۴۴۴	٪۶۹
مدیریت سود	-۰/۲۴۷	-۴/۰۰۲	٪۶۰
پایداری سود	۰/۲۴۵	۳/۷۲۸	٪۷۲
کیفیت سود	۰/۳۱۱	۱/۲۱۱	٪۱۴
شفافیت سود	۰/۴۹۷	۱/۱۱۸	٪۴

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌ها به تفکیک مسیرهای موجود، به شرح زیر تبیین می‌گردد.

در آزمون فرضیه پنجم، ضریب مسیر متغیر هموارسازی سود برابر ۰/۴۱۵- و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۲/۴۴۴- بوده و چون علامت آماره مذکور، منفی بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶- است؛ دال بر این مطلب دارد هموارسازی سود بر سلامت مالی تأثیر منفی و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه پنجم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ٪۶۹ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات هموارسازی سود توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه ششم، ضریب مسیر متغیر مدیریت سود برابر ۰/۲۴۷- و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۴/۰۰۲- بوده و چون علامت آماره مذکور، منفی بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶- است؛ دال بر این مطلب دارد که مدیریت سود بر سلامت مالی تأثیر منفی و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه ششم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ٪۶۰ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات مدیریت سود توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه هفتم، ضریب مسیر متغیر پایداری سود برابر ۰/۲۴۵ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۳/۷۲۸ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که پایداری سود بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه هفتم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ٪۷۲ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات تعدیلات سنواتی توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه هشتم، ضریب مسیر متغیر کیفیت سود برابر ۰/۳۱۱ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۱/۲۱۱ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن کمتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که کیفیت سود بر سلامت مالی تأثیر معناداری نداشته

و حکایت از رد فرضیه هشتم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۱۴٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات کیفیت سود توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه نهم، ضریب مسیر متغیر شفافیت سود برابر ۰/۴۹۷ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۱/۱۱۸ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن کمتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که شفافیت سود بر سلامت مالی تأثیر معناداری نداشته و حکایت از رد فرضیه نهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۴٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات شفافیت سود توضیح داده می‌شود.

آزمون فرضیه‌های دهم تا سیزدهم

نتایج بررسی فرضیه‌های پنجم تا نهم پژوهش در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. نتایج بررسی دهم تا سیزدهم پژوهش

متغیر	ضریب مسیر (β)	اعداد معناداری t	ضریب تعیین (R^2)
استفاده از افراد غیرموظف	۰/۴۱۸	۲/۵۸۱	٪۴۹
استفاده از اعضای دارای دانش مالی	۰/۴۴۴	۴/۷۹۹	٪۵۲
تفکیک نقش مدیرعامل از نقش ریاست هیئت‌مدیره	۰/۵۱۱	۴/۹۳۸	٪۵۷
عدم ثبات بیش از حد مدیرعامل	۰/۴۹۹	۵/۶۴۸	٪۸۰

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌ها به تفکیک مسیرهای موجود، به شرح زیر تبیین می‌گردد.

در آزمون فرضیه دهم، ضریب مسیر متغیر استفاده از افراد غیرموظف برابر ۰/۴۱۸ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۲/۵۸۱ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که استفاده از افراد غیر موظف بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه دهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۴۹٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات استفاده از افراد غیر موظف توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه یازدهم، ضریب مسیر متغیر استفاده از اعضای دارای دانش مالی برابر ۰/۴۴۴ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۴/۷۹۹ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن

بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که استفاده از اعضای دارای دانش مالی بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه یازدهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۵۲٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات استفاده از اعضای دارای دانش مالی توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه دوازدهم، ضریب مسیر متغیر تفکیک نقش مدیرعامل از نقش ریاست هیئت‌مدیره برابر ۰/۵۱۱ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۴/۹۳۸ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که تفکیک نقش مدیرعامل از نقش ریاست هیأت مدیره بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه دوازدهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۵۷٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات تفکیک نقش مدیرعامل از نقش ریاست هیأت مدیره توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه سیزدهم، ضریب مسیر متغیر عدم ثبات بیش از حد مدیرعامل برابر ۰/۴۹۹ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۵/۶۴۸ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که عدم ثبات بیش از حد مدیرعامل بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته و حکایت از تایید فرضیه سیزدهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۸۰٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات عدم ثبات بیش از حد مدیرعامل توضیح داده می‌شود.

آزمون فرضیه‌های چهاردهم تا شانزدهم

نتایج بررسی فرضیه‌های چهاردهم تا شانزدهم پژوهش در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. نتایج بررسی چهاردهم تا شانزدهم پژوهش

متغیر	ضریب مسیر (β)	اعداد معناداری t	ضریب تعیین (R^2)
ریسک گزارشگری	-۰/۳۹۲	-۱/۰۰۱	٪۱۱
ریسک عملیاتی	-۰/۳۴۰	-۵/۴۱۸	٪۴۴
ریسک استراتژی	-۰/۲۱۹	-۰/۵۹۹	٪۱۱

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌ها به تفکیک مسیرهای موجود، به شرح زیر تبیین می گردد.

در آزمون فرضیه چهاردهم، ضریب مسیر متغیر ریسک گزارشگری برابر ۰/۳۹۲- و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۱/۰۰۱- بوده و چون علامت آماره مذکور، منفی بوده مقدار آن کمتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶- است؛ دال بر این مطلب دارد ریسک گزارشگری بر سلامت مالی تأثیر معناداری نداشته و حکایت از رد فرضیه چهاردهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۱۱٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات ریسک گزارشگری توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه پانزدهم، ضریب مسیر متغیر ریسک عملیاتی برابر ۰/۳۴۰- و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۵/۴۱۸- بوده و چون علامت آماره مذکور، منفی بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶- است؛ دال بر این مطلب دارد که ریسک عملیاتی بر سلامت مالی تأثیر منفی و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه پانزدهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۴۴٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات ریسک عملیاتی توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه شانزدهم، ضریب مسیر متغیر ریسک استراتژی برابر ۰/۲۱۹- و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۰/۵۹۹- بوده و چون علامت آماره مذکور، منفی بوده مقدار آن کمتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶- است؛ دال بر این مطلب دارد ریسک استراتژی بر سلامت مالی تأثیر معناداری نداشته و حکایت از رد فرضیه شانزدهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۱۱٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات ریسک استراتژی توضیح داده می‌شود.

آزمون فرضیه‌های هفدهم تا بیستم

نتایج بررسی فرضیه‌های چهاردهم تا شانزدهم پژوهش در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹. نتایج بررسی فرضیه‌های هفدهم تا بیستم پژوهش

متغیر	ضریب مسیر (β)	اعداد معناداری t	ضریب تعیین (R^2)
عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۳۰۱-	۴/۴۷۹-	٪۵۵
هزینه سرمایه پایین	۰/۲۹۴	۱/۱۴۰	٪۱۲
افشای اطلاعات غیرمالی	۰/۵۱۸	۴/۷۹۹	٪۶۸
نقدشوندگی سهام	۰/۲۱۴	۰/۹۲۶	٪۱۷

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌ها به تفکیک مسیرهای موجود، به شرح زیر تبیین می‌گردد.

در آزمون فرضیه هفدهم، ضریب مسیر متغیر عدم تقارن اطلاعاتی برابر ۰/۳۰۱- و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۴/۴۷۹- بوده و چون علامت آماره مذکور، منفی بوده مقدار آن کمتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶- است؛ دال بر این مطلب دارد عدم تقارن اطلاعاتی بر سلامت مالی تأثیر منفی و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه هفدهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۵۵٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه هجدهم، ضریب مسیر متغیر هزینه سرمایه پایین برابر ۰/۲۹۴ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۱/۱۴۰ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن کمتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که هزینه سرمایه پایین بر سلامت مالی تأثیر معناداری نداشته و حکایت از رد فرضیه هجدهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۱۲٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات هزینه سرمایه پایین توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه نوزدهم، ضریب مسیر متغیر افشای اطلاعات غیرمالی برابر ۰/۵۱۸ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۴/۷۹۹ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد افشای اطلاعات غیرمالی بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته و حکایت از تأیید فرضیه نوزدهم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۶۸٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات افشای اطلاعات غیرمالی توضیح داده می‌شود.

در آزمون فرضیه بیستم، ضریب مسیر متغیر نقدشوندگی سهام برابر ۰/۲۱۴ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر ۰/۹۲۶ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن کمتر از مقدار استاندارد ۱/۹۶ است؛ دال بر این مطلب دارد که نقدشوندگی سهام بر سلامت مالی تأثیر معناداری نداشته و حکایت از رد فرضیه بیستم دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود ۱۷٪ تغییرات سلامت مالی توسط تغییرات نقدشوندگی سهام توضیح داده می‌شود.

معادلات ساختاری نیرومند و بازنمونه‌گیری

در نتایج به‌دست‌آمده از معادلات ساختاری، بعضی از فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید واقع نشدند و همچنین در بررسی روایی با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی، بعضی از سؤالات در فرایند برآورد متغیرهای پنهان حذف شده‌اند. ازاین‌رو، برای اطمینان از دقت نتایج، از روش

حداکثر درست‌نمایی نیرومند با بازنمونه‌گیری در آزمون‌ها استفاده می‌نماییم. برای برازش، از روش پس‌رو استفاده شده است. برای کنترل اثر شرایط محیطی بر روابط بین متغیرهای پنهان سطح سوم (متغیرهای مربوط به فرضیات تحقیق) متغیرهای جنسیت، عضویت در جامعه حسابداران رسمی، سمت، تجربه کاری، تحصیلات و عضویت در جامعه حسابداران رسمی، به‌صورت متغیرهای مصنوعی، به معادلات سطح سوم شده‌اند. تعریف متغیرهای مصنوعی در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰. تعاریف متغیرهای مصنوعی

متغیر	متغیر مصنوعی	تعریف	متغیر	متغیر مصنوعی	تعریف
جنسیت	GEN	مرد ۰ زن ۱	تجربه کاری	EXP1	کمتر از ۶ سال
عضویت جامعه حسابداران رسمی	MEM	عضو شاغل ۱ غیرعضو ۰		EXP2	بین ۶ تا ۱۱ سال
تحصیلات	EDU1	کارشناسی		EXP3	بین ۱۱ تا ۱۵ سال
	EDU2	کارشناسی‌ارشد		EXP4	بالای ۱۵ سال
	EDU3	دکتری			

جداول ۱۱ مقدار آماره آزمون حاصل از بازنمونه‌گیری به روش bootstrap و مقدار احتمال متناظر با آن را برای هریک از گویه‌ها در سطح اول و هریک از متغیرهای پنهان در سطح دوم و سوم را نشان می‌دهند. همانطور که مشاهده می‌شود، پس از حذف متغیرهای غیر معنی‌دار، بقیه گویه‌ها بار معنی‌داری در ساخت متغیرهای پنهان سطح اول دارند. همچنین، همانطور که در جداول بعدی مشاهده می‌شود، تمام متغیرهای پنهان سطح اول بار معنی‌داری در ساخت متغیرهای پنهان سطح دوم دارند. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول بعد؛ از بین مسیرهایی که در فرضیات پژوهش (برای تبیین ارتباط بین متغیرهای تحقیق) آمده‌اند، تنها اثر کدام متغیر... بر متغیر وابسته معنی‌دار نیست. نتایج برازش مدل معادلات ساختاری سه سطحی با برآورد حداکثر درست‌نمایی نیرومند و یا بازنمونه‌گیری در جدول۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۱. نتایج برازش مدل معادلات ساختاری سه سطحی با برآورد حداکثر درست‌نمایی نیرومند و یا بازنمونه‌گیری در آزمون‌ها (سطح سوم برای متغیر وابسته سلامت مالی)

سطح سوم			
متغیر پنهان	گویه	آماره آزمون	مقدار احتمال
GEN	Q1	---	
MEM	Q2	---	
EDU1	Q3	---	
EDU2	Q4	۱۰,۱۴۵	۰,۰۱۱۸
EDU3	Q5	---	
EXP1	Q6	۷,۳۳۳	۰,۰۰۹۳
EXP2	Q7	۲,۸۴۳	۰,۰۰۰۰
EXP3	Q8	---	

بر اساس یافته‌های پژوهش، متغیرهای سطح تحصیلات (کارشناسی‌ارشد) و تجربه کاری بالای ۱۱ سال بر استقلال حسابرسان تأثیر مثبت و معنادار دارند.

معادلات ساختاری چندکی

در بخش قبلی، با استفاده از معادلات ساختاری ارتباط علی بین متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش ابتدا توزیع احتمالی متغیرهای پنهان بررسی می‌شود و سپس ارتباط بین متغیرهای تحقیق، روی زیرگروه‌های (چندک‌های) یکدیگر مورد آزمون قرار می‌گیرد. جدول ۱۲ برآورد توزیع متغیرها پنهان سطح دوم را بر اساس روش تابع هسته نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. برآورد توزیع متغیرهای پژوهش به روش تابع هسته

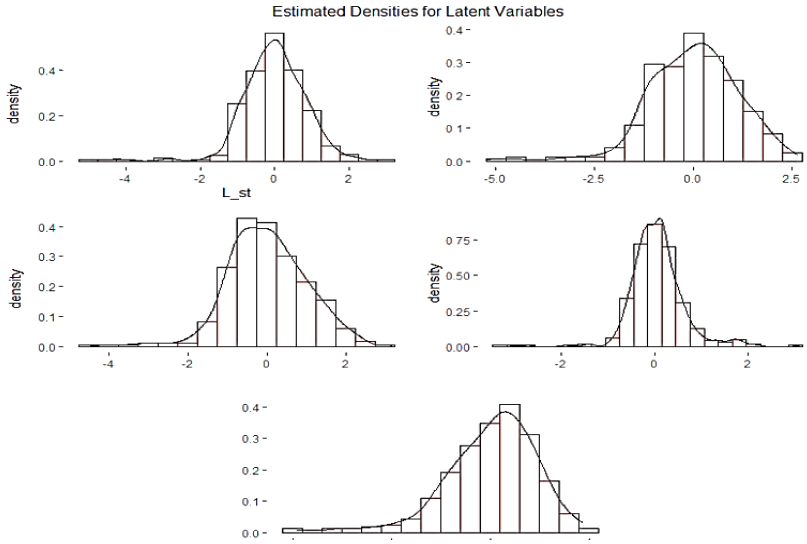

در هر مورد منحنی رسم شده برآورد تابع چگالی احتمال را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود، منحنی فراوانی برآورد شده برآورد در اغلب موارد دارای چولگی و یا کشیدگی است. برای آزمون فرض نرمال بودن متغیرها، از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده می‌نماییم. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک در جدول ۱۳ آمده است. بر اساس نتایج این آزمون فرض نرمال بودن در تمام متغیرهای پژوهش رد می‌شود. بنابراین علاوه بر بررسی اثر متغیرها رو میانگین یکدیگر، باید اثر متغیرها رو توزیع یکدیگر نیز مورد آزمون قرار گیرند.

جدول ۱۳. نتایج آزمون شاپیرو- ویلک

متغیر	نماد	آماره آزمون	احتمال آزمون
جنسیت	GEN	۱۶۰,۶۶۹	۰,۰۰۰
تجربه کاری	EXP	۳۳۷,۷۷۴	۰,۰۰۰
تحصیلات	EDU	۳۲۳,۴۳۸	۰,۰۰۰

محاسبه شاخص نکویی برازش GOF

شاخص GOF مربوط به برازش بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. فرمول آن در زیر آمده است.

$$GOF = \sqrt{R^2 * \text{Communality}}$$

باتوجه‌به آنکه مقدار R^2=%87 و Communality=0.812 به دست آمده‌اند؛ خواهیم داشت:

$$GOF = \sqrt{0.812 * 0.87} = 0.71$$

شاخص GOF این مدل تقریباً ۰/۷۱ به‌دست‌آمده است که از مطلوبیت قوی مدل حکایت دارد.

ارائه مدل مفهومی

در مرحله تکمیلی پژوهش و به‌منظور ارائه الگو با استفاده از ادبیات پژوهش و نتایج تجزیه‌وتحلیل داده‌های کمی به‌دست‌آمده؛ استفاده شده است. در این مرحله به‌منظور تعیین درجه تناسب الگو و با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای و اطلاعات جمع‌آوری شده از خبرگان حسابداری و مدیریت مالی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. نتایج آزمون‌های مورداستفاده نشان داد تفاوت میانگین الگوی ارائه شده در کلیه بخش‌ها با میانگین مورد انتظار در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. بنابراین، مدل آماری با اطمینان ۹۵ درصد؛ از نظر متخصصان حسابداری و مدیریت مالی مورد تایید قرار گرفت. در ادامه؛ مدل عوامل موثر بر سلامت مالی شرکتها تعریف می‌گردد.

جدول ۱۴. مدل مفهومی عوامل موثر بر سلامت مالی در چرخه حیات شرکتها

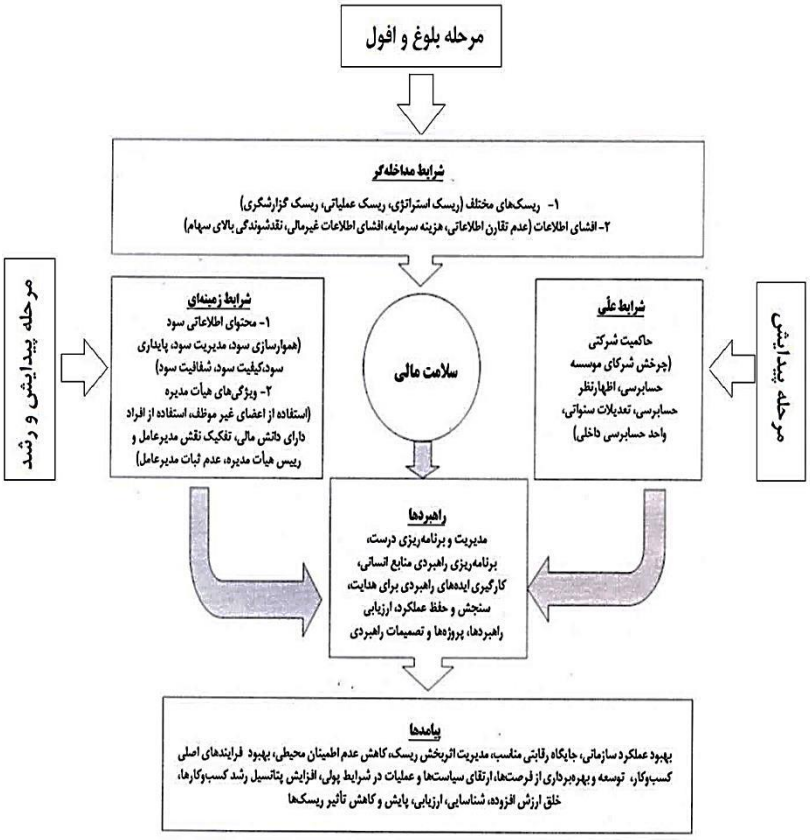

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه سلامت مالی یکی از مؤلفه‌های اساسی در شرکت‌های مالی است. در واقع، شرکت‌های دارای سلامت مالی پرداختی‌های به موقعی دارند و دارای توانایی مدیریت دارایی هستند. از طرفی می‌توان سلامت مالی را معیاری برای سنجش ورشکستگی یا عدم ورشکستگی یا به تعبیری دیگر، موفقیت یا عدم موفقیت شرکت‌ها دانست. ازآنجایی‌که سلامت مالی یک واحد اقتصادی نشان‌دهنده سودآوری و توان ادامه فعالیت آن است، برای سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان اهمیت بسزایی دارد، چرا که شکست‌های کم‌سابقه شرکت‌های بزرگ در طی سالیان اخیر و نوسانات

بزرگ در بازار بورس اوراق بهادار ایران، باعث شده تا بحران‌های مالی در شرکت‌ها و صنایع مختلف داخلی ایجاد شده و نااطمینانی‌های شدیدی را به دنبال داشته باشد. بدین ترتیب، وجود ابزارهایی به‌منظور ارزیابی توان و سلامت مالی در شرایط محیطی کنونی بسیار ضروری است. مسائل مربوط به‌سلامت مالی بنگاه‌های اقتصادی، همواره به‌عنوان یکی از موضوعات قابل‌تأمل در حوزه حسابداری و مالی مطرح بوده و اندیشمندان این حوزه به طور مستمر به دنبال یافتن روش‌ها و معیارهایی به‌منظور ارزیابی شاخص‌های مربوط به‌سلامت مالی شرکت‌ها بوده‌اند تا از این طریق بتوانند به پیش‌بینی درماندگی‌های مالی و ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی بپردازند.

نظر به اهمیت این موضوع؛ پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر سلامت مالی شرکت‌ها پرداخت. در راستای حصول به اهداف پژوهش و پاسخی برای سؤالات طرح‌شده؛ ابتدا از طریق مراجعه به ۲۱ نفر از خبرگان رشته‌های مدیریت و حسابداری، مصاحبه‌هایی متمرکز صورت گرفته و سوالاتی در خصوص عواملی که می‌توانستند بر سلامت مالی شرکتها تاثیر داشته باشند؛ پرسیده شد. پس از جمع‌بندی نظرات آنان؛ تعداد پنج مولفه اصلی و بیست عامل فرعی شناسایی شد که عوامل ذکر شده در سه دسته عوامل علّی (شامل ابعاد مختلف حاکمیت شرکتی)، عوامل زمینه‌ای (شامل محتوای اطلاعاتی سود و ویژگی‌های هیات مدیره) و عوامل مداخله‌گر (شامل ریسک‌های شرکتی و افشای اطلاعات) طبقه‌بندی شده و در راستای این مسیر، پنج فرضیه اصلی و بیست فرضیه فرعی تدوین شد.

بر اساس فرضیه اصلی اول این نتیجه حاصل شد که اظهارنظر حسابرسی بر سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. ازاین‌رو؛ می‌توان نتیجه گرفت اگر مدیران شرکت‌ها زمینه‌های لازم برای گزارشگری صحیح و شفاف را فراهم آورند، می‌توانند اظهارنظر مقبول حسابرس مستقل را کسب نمایند و از این طریق به‌سلامت مالی واحدهای تحت کنترل کمک نمایند. همچنین نتایج نشان داد وجود واحد حسابرسی داخلی می‌تواند به‌سلامت مالی شرکت‌ها کمک کند. براین‌اساس می‌توان بیان داشت هیئت‌مدیره شرکت‌ها می‌توانند با اخذ تصمیماتی صحیح، نسبت به استقرار واحد حسابرسی داخلی در شرکت اقدام نمایند.

بر اساس فرضیه دوم این نتیجه حاصل شد که هموارسازی سود بر سلامت مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. ازاین‌رو می‌توان نتیجه گرفت مدیران از طریق انعکاس صحیح درآمدها و هزینه‌ها

در طول سال‌های متوالی، هموارسازی سود را کاهش داده و سلامت مالی شرکت‌ها را از طریق این کانال، تضمین نمایند. همچنین نتایج نشان داد مدیریت سود می‌تواند باعث تنزل سلامت مالی شرکت‌ها شود. از این می‌توان بیان داشت مدیران می‌توانند از طریق عدم دست‌کاری درآمدها و هزینه‌ها، عدم بیش‌نمایی درآمدها و عدم کم نمایی هزینه‌ها، به بهبود سلامت مالی شرکت‌ها کمک نمایند. همچنین نتایج دیگر نشان داد که پایداری مالی می‌تواند تضمین‌کننده سلامت مالی شرکت‌ها باشد؛ لذا سطوح مختلف مدیریت شرکت به سطح مطلوبی از پایداری مالی رسیده و به‌سلامت مالی شرکت‌ها کمک نمایند.

بر اساس آزمون فرضیه سوم می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از اعضای غیرموظف، استفاده از افراد دارای دانش مالی، تفکیک نقش مدیرعامل از نقش ریاست هیئت‌مدیره و همچنین کاهش ثبات مدیرعامل، به‌سلامت مالی شرکت‌ها کمک نمایند. براین‌اساس می‌توان نتیجه گرفت اگر تصمیمات شرکت بر اساس استفاده بیشتر از اعضای غیرموظف، استفاده از افراد دارای دانش مالی، باشد سلامت مالی شرکت‌ها تضمین می‌شود. از طرفی آنان می‌توانند نقش مدیرعامل و نقش ریاست هیئت‌مدیره را از هم تفکیک نموده و از طریق کاهش دوره تصدی مدیرعامل، به‌سلامت مالی شرکت‌ها کمک نمایند.

بر اساس آزمون فرضیه چهارم این نتیجه حاصل شد که ریسک عملیاتی بر سلامت مالی تأثیر منفی و معنادار دارد؛ لذا بر اساس این نتیجه می‌توان به مدیریت شرکت‌ها پیشنهاد داد از طریق ایجاد راهکارهایی برای کاهش ریسک عملیاتی به بهبود سلامت مالی شرکت‌ها اهتمام ورزند.

بر اساس آزمون فرضیه پنجم این نتیجه حاصل شد که عدم تقارن اطلاعاتی بر سلامتی مالی تأثیر کاهنده دارد؛ لذا مدیران شرکت‌ها می‌توانند از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود توازن انتشار اطلاعات مربوط به معاملات مختلف شرکت‌ها و همچنین بهبود توازن چرخش اطلاعاتی، به‌سلامتی شرکت‌ها کمک نمایند. از طرفی نتایج نشان داد افشای اطلاعات غیرمالی می‌تواند به‌سلامت مالی شرکت‌ها کمک نمایند؛ لذا مدیران شرکت‌ها می‌توانند از طریق تدوین دستورالعملاتی لازم‌الاجرا، سلامت مالی شرکت‌ها را بهبود بخشند. در جهت روشن‌شدن ابعاد مختلف اهمیت پژوهش حاضر؛ می‌توان موضوعات زیر را به محققین آتی پیشنهاد داد.

- ارائه الگوی عوامل مؤثر بر سلامت مالی با رویکرد هوش مصنوعی.

- ارائه الگوی عوامل مؤثر بر سلامت مالی با بـه‌کـارگیری تکنیـک‌هـای شـبکه‌هـای عصـبی مصنوعی.

ارائه الگوی عوامل مؤثر بر سـلامت مـالی بـا بـه‌کـارگیری تکنیـک‌هـای رگرسـیون غیرخطـی چندمتغیره و رگرسیون غیرخطی توانی.

فهرست منابع

A. Atefifar and Z. Fathi, Investigating the effectiveness of financial health indicators as symbols of banking financial crisis by using multivariable logit models (case study of listed banks), J. Financ. Engin. Secur. Manag. 11 (2020), no. 42, 333–361.

F. Marc and H. Alexander, The financial brand value chain: How brand investments contribute to the financial health of firms, Int. J. Res. Market. 34 (2017), no. 1, 137–153.

F. Qaderi, A. Qalibaf, B. Hassan, J. Thalath and A. Pakmaram, Development of the concept of accounting structures of stability and financial health of companies in the capital market of Iran, J. Manag. Account. 8 (2023), no. 28, 159–172. [12]

F. Rezazadeh Karsalari and M. Sargolzaei, The effect of banking performance on the creation of liquidity in the banking system, Quart. J. Empir. Stud. Financ. Account. 16 (2018), no. 64.

H. Nikumram and Z. Pourzmani, Corporate governance and prediction of corporate bankruptcy, PhD. thesis, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, 2006.

I. Devanipour, Q. Bolo and M. Amiri, The model for measuring the quality of financial statements, Empir. Stud. Financ. Account. 18 (2021), no. 72.

International Monetary Fund (IMF), Financial Sector Assessment Program- (FSIP).A review lessons from the pilot and issues going forward, (2000) IMF SM/00/263.

J. Francis, R. LaFond, P. Olsson and K. Schipper, The market pricing of accruals quality, J. Account. Econ. 39 (2005), 295–327.

P. Dechow and I. Dichev, The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors, Account. Rev. 77 (2002), no. 4, 35-–59.

R. Naidoo, A predictive model of the states of financial health in South African Businesses, Ph.D. thesis, University of South Africa, Johannesburg, 2007. [9]

S. Abbasi, A. Nazimi and N. Namazi, Evaluating the information content of the rating model using financial health indicators and early warning in banks, Financ. Account. Knowledge 8 (2022), no. 4, 41–62.

S. Nicolas and S. Dario, Financial scarcity undermines health across the globe and the life course, Soc. Sci. Medicine 292 (2022), 114–607. [10]

V. St´ephane and M. Norheim, Estimating and comparing health and financial risk protection outcomes in economic evaluations, 25 (2022), no. 2, 238–246.